

قرآن و تورات؛ نسبت دو کتاب مقدس

استاد دانشگاه مفید در یادداشتی نوشت: متون مقدس موجود در زمان نزول با قرآن اصلا قابل قیاس نیستند.



استاد دانشگاه مفید در یادداشتی نوشت: متون مقدس موجود در زمان نزول با قرآن اصلا قابل قیاس نیستند. هرچند تورات و انجیل و متون یهودی مسیحی شایان احترام اند و نور هستند اما نور آنها در مقابل قرآن همانند لامپی در برابر خورشید است و اگر کسی بعد از خواندن دو کتاب مقدس، نور این دو را قابل قیاس ببیند، در عقل او شک می کنیم.

عبدالرحیم سلیمانیه گزارش ایکن، متن یادداشت حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحیم سلیمانی؛ استاد دانشگاه مفید یادداشتی با عنوان «تورات در قرآن و قرآن در تورات» نوشته و این یادداشت توسط انجمن مباحثات قرآنی در اختیار ایکن قرار گرفته است که متن آن را می خوانید؛

برای ورود به بحث ذکر چند پرسش لازم است و آن اینک:

۱- قرآن از چه توراتی سخن می گوید؟

۲- قرآن از چه توراتی نقل می کند؟

۳- نسبت توراتی که قرآن درباره آن سخن می گوید با قرآن مجید از نظر محتوایی چیست؟
فرضیات

۱- قرآن مجید از دو تورات سخن می گوید، تورات منزل و تورات موجود و این دو را از هم مجزا کرده است.

۲- نقادان جدید تورات فرضیات دقیق و قابل قبولی طرح کرده اند و ادعای نقل قرآن از تورات دقیقا متناسب با این دستاوردهاست و این نشان دهنده اعجاز محتوایی قرآن کریم است. بنابراین سوال دوم انحراف است زیرا قرآن از متن واقع نقل می کند و از هیچ منبعی نقل نمی کند.

۳- متون مقدس موجود در زمان نزول _ چه در حجاز موجود بوده یا نبوده باشند_ با قرآن اصلا قابل قیاس نیستند. هرچند تورات و انجیل و متون یهودی مسیحی شایان احترام اند و نور هستند اما نور آنها در مقابل قرآن همانند لامپی در برابر خورشید است و اگر کسی بعد از خواندن دو کتاب مقدس، نور این دو را قابل قیاس ببیند، در عقل او شک می کنیم.

تورات در قرآن کریم

قرآن کریم در مورد کتب مقدس یهودی _ مسیحی دو تعبیر دارد:

اول: از توراتی سخن می گوید که نازل کردیم، در آن هدایت و نور است که اوصافی شبیه الواح و همچنین کتاب موسی دارد و از این رو مفسران به درستی نتیجه گرفته اند کتاب موسی همان الواح و همان تورات است.

دوم: از کتابی سخن می گوید که نزدتان است که این کتاب دقیقا همان کتاب منزل نیست اما نصیبی از کتاب دارد (نصیباً من الكتاب) و قرآن همین کتابی که نزد اهل کتاب است (ما بین یدیه) را تصدیق می کند.

آیه ۴۴ سوره مائده به تفکیکی که اسپینوزا و نقادان جدید کتاب مقدس مطرح کرده اند؛ در اینکه تورات کنونی کتابی است که دست عالمان بوده است و با آنچه دست انبیاء بوده متفاوت است با دو تعبیر متفاوت اشاره می کند (یحکم بها النبیون _ بما استحفطوا من کتاب الله): **إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا**

اسْتُحْفِطُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاحْشَوْنَ اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ.

معانی تورات

تورات قبل از اسلام در چهار اصطلاح رایج بوده است:

۱- اسفار پنج گانه

۲- کل عهد قدیم (تورات مکتوب)

۳- کل ادبیات و حیانی یهود (شامل اسفار خیمه و عهد قدیم و تلمود)

۴- حکم یا شریعت

به جز مورد چهارم، سه مورد دیگر می تواند از معانی به کار رفته در قرآن برای تورات باشد. آنچه مورد تصدیق حضرت عیسی و قرآن بوده است اسفار خیمه تورات است. اما با توجه به قرائن زیر قرآن هیچ جا تلمود را تورات نخوانده است:

الف. آیه ۴۵ سوره مائده حکمی از تورات نقل می کند: «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذْنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا ۚ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ ۚ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» که این حکم در اسفار خیمه و حتی تورات کنونی آمده است اما در تلمود تفسیر شده است که قصاص نیست و باید دیه پرداخت شود.

ب. آیه ۱۵۷ سوره اعراف بشارت به پیامبر اسلام را از تورات نقل می کند: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و این بشارت در اسفار خیمه آمده است.

ج. آیه ۳۲ سوره مائده حکایت حکمی از بنی اسرائیل را می گوید که در اسفار خیمه نیست و در تلمود هست: «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا يَعْزُبُ عَنْهَا نَفْسًا أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا.» اما در این آیه هیچ اشاره ای به تورات نکرده است و مثل آیه ۴۵ نگفته است: کتبنا عليهم فيها.

نقد تاریخی کتب مقدس

جهان بینی عصر روشنگری که در غرب قرن نوزدهم شکل گرفت بر سه اصل مبتنی است:

امری ممکن الوقوع است که مشابه آن را در طبیعت دیده باشیم.

طبیعت مجموعه ای مرتبط به هم است.

طبیعت خودکفاست و برای تبیین آن نیازی به ماوراء نیست.

براساس این اصول، نقد تاریخی کتاب مقدس پدید آمد و ناقدان کتاب مقدس در این فضا به متون خودشان و قرآن نگاه می کنند. آنان هر کتابی را حتی کتب مقدس، برگرفته از منبعی می دانند و به دنبال این هستند که قرآن از کجا نقل می کند.

با این وصف وقتی مثلاً قرآن از معجزه عیسی(ع) و ساخت پرده گلی و دمیدن در آن سخن می گوید، آنها می گویند این موضوع در انجیل نیست و بعد به دنبال متنی می گردند که می تواند منبع نقل قرآن باشد و آن را به انجیل توماس نسبت می دهند در حالی که این انجیل تا ۱۲ سالگی عیسی(ع) را روایت کرده است و زمانی که کودکی مریم را در انجیل نمی یابند، نقل قرآن را به انجیل یعقوب منسوب می کنند.

تفاوت قرآن و متون یهودی مسیحی

اما تفاوت اساسی قرآن با متون یهودی مسیحی در چند چیز است:

اول آن که بر فرض جاهایی از قرآن شبیه تلمود باشد، ۸۰-۹۰ درصد قرآن شبیه جای دیگر نیست. مثلا ابراهیم قرآن و ابراهیم تلمود زمین تا آسمان تفاوت دارند. همین طور یعقوب و سلیمان و داود قرآن ارتباطی به این شخصیت ها در تلمود و تورات ندارند. در کتب عهد قدیم، این انبیاء برخلاف قرآن، فراز و فرود اخلاقی دارند. در قرآن خبری از قتل عامی که در تورات به دستور موسی انجام می شود یا وصیت موسی به یوشع که وقتی وارد شهری شدی، جنبد ه ای را زنده نگذار، نیست.

دوم آن که در موارد شباهت میان قرآن و تورات، تفاوت بسیار مهم و ظریفی در میان است که در جمله پایانی قصص که هدف نقل قصه را بیان می کند، آشکار شده است:

۱- داستان موسی و فرعون در قرآن و تورات بسیار شبیه هستند، اما زمانی که قرار است موسی به سراغ فرعون برود، بیان توراتی اینگونه است: به نزد فرعون برو تا قوم مرا نجات دهدی و من قلب فرعون را مانند سنگ سخت ساختم.

اما در بیان قرآنی آمده است: اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (طه-۴۳ و ۴۴)؛ پس در تورات موسی قرار است زندگی دنیوی قوم خود را نجات دهد و در قرآن نجات بشریت هدف است و حتی از نجات فرعون هم ناامید نیست.

۲- در داستان ابراهیم و فرزندش (اسحاق یا اسماعیل) در پاسخ به پذیرش امر الهی ذبح، خداوند در قرآن و تورات به ابراهیم وعده می دهد. اما وعده الهی توراتی این است که از او قومی بزرگ به وجود آید و وعده قرآن امامت بر مردم و هدایت آن هاست: انی جاعلک للناس اماما (البقره-۱۲۴). پس در تورات مسئله قومی خاص مطرح است و در قرآن، هدایت بشریت مراد است.

۳- خروج حضرت موسی از مصر و نجات بنی اسرائیل از دست فرعون نیز جریان مشابهی در تورات و قرآن دارد اما در روایت توراتی، موسی شب از همسایه ها طلا به امانت می گیرد اما نیمه شب با طلاها خارج می شود و در واقع مصریان را غارت می کنند؛ و در روایت قرآن چنین قضیه ای نیست بلکه قرآن تأکید بر ادای امانت دارد: وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (المؤمنون-۸)

بنابراین تفاوت ماهوی و بنیادین دو دین _ حتی در قصه های مشابه _ آشکار می شود و امکان اخذ قرآن از منابع یهودی_ مسیحی منتفی است.